

## معمای مرگ پرهام درسی و سه پل

**گروه حوادث/** با گذشت یک هفته از مرگ عجیب پسر ۱۲ ساله در آب کم عمق زنده رود اصفهان هنوز معمای این پرونده حل نشده باقی مانده است.

به گزارش ایسنا، سیزدهمین روز مرداد بود که پرهام ۱۲ ساله، هنگام بازی روی دهانه‌های پایین سی و سه پل، در آب کم عمق زنده‌رود افتاد و جان باخت. حالا خانواده‌اش می‌گویند که این قهرمان واترپلو، نه به خاطر خفگی در آب بلکه بر اثر برق گرفتگی جان خود را از دست داده و فرزندشان هم اولین و آخرین قربانی برق گرفتگی در این محدوده نبوده؛ نهادهای مسئول اما هنوز این موضوع را به‌صورت قطعی تأیید نکرده‌اند. اولین خبری که در آن حادثه مرگ پرهام قلمکاربان منتشر شد، ۱۴ مرداد ماه و به نقل از غفور راستین، رئیس مرکز اورژانس و فوریت‌های پزشکی استان اصفهان بود. او در گفت‌وگو با یکی از خبرگزاری‌های رسمی اعلام کرد: «به گفته شاهدان عینی این پسر ابتدا دچار برق گرفتگی شد و به همین دلیل به رودخانه سقوط کرد.»

اما رئیس مرکز اورژانس و فوریت‌های پزشکی استان اصفهان روز بعد به ایسنا، گفت: «اعلام برق گرفتگی این نوجوان به نقل از شاهدان عینی بوده است. اظهارنظر قطعی در مورد علت مرگ بر عهده پزشکی قانونی است و اورژانس اصفهان نمی‌تواند چنین اظهارنظری داشته باشد.»

پدر پرهام فلسفکاربان در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: شب دوشنبه هفته گذشته برای تفریح به همراه خانواده به سی و سه پل رفتم بودیم و بچه‌ها در قسمت کم عمق آب راه می‌رفتند و بازی می‌کردند. حدود ساعت ۱۲ شب با من تماس گرفتند و گفتند پسر شما دچار برق گرفتگی شده است. سراسیمه از آب به سمت دیگر پل رفتم و دیدم خانم و آقای دارند پرهام را احیا می‌کنند و تنفس مصنوعی می‌دهند.

حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه طول کشید تا اورژانس به محل آمد و در آمبولانس هم عملیات احیا را انجام دادند که بی‌فایده بود و پسرمر را به بیمارستان شریعتی بردند، اما متأسفانه پرهام برنگشت.

وی ادامه داد: دویچه حدود ۶ و ۱۱ ساله که کمی جلوتر از پرهام مشغول بازی بودند گفتند وقتی این اتفاق افتاد حس می‌کردیم میخ داخل پاهایمان می‌رود و دقیقاً احساس برق گرفتگی داشتند. پرهام داخل آب پرت شده بود، اما بچه‌ها فکر کرده بودند بازی می‌کند.

وی افزود: مجبور شدیم در فضای مجازی شروع به اطلاع‌رسانی کنیم، پسرمر قهرمان واترپلو بود و به‌صورت حرفه‌ای شنا می‌کرد، ضمن اینکه آن منطقه اصلاً را احتمال غرق شدن ندارد و سطح آب عمیق نیست. وی با اشاره به شکایتی که از شهرداری اصفهان و اداره کل میراث فرهنگی استان داشته، گفت: پزشکی قانونی در ظاهر نظر اولیه علت فوت را ایست قلبی اعلام کرد، اما گفتند که نتیجه قطعی را تا دو ماه آینده اعلام می‌کنند.

پدر پرهام یاد آور شد: زیر سی و سه پل سکوهایی است که نورافکن در آنها قرار داده شده و فضای پل را روشن می‌کند. خیلی‌ها برای عبور از پل از روی این سکوها می‌روند ولی اصلاً ایمن نیستند و نهادهای مسئول باید فکری برای ایمن‌سازی و جلوگیری از تکرار این حوادث بکنند.

## کلاهبرداری ۱۲ هزار میلیاردی

## با کارت ملی معتدان

**گروه حوادث/** کشف صدها فقره چک سفید امضا در چمدان یکی از مسافران فرودگاه مشهد را شبکه بزرگ پولشویی در کشور را فاش کرد. اعضای این باند با سوءاستفاده از کارت ملی معتدان و بی‌خانه‌ها اقدام به گرفتن دسته چک کرده و با آن بیش از ۱۲ هزار میلیارد ریال کلاهبرداری کرده‌اند.

سردار حسن مهری، فرمانده پلیس فرودگاه‌های کشور در تشریح جزئیات این خبر اظهار کرد: حدود ۲ ماه قبل مأموران پلیس فرودگاه مشهد در بازرسی از چمدان یک مسافر که عازم تهران بود با تعداد زیادی چک که با نام افراد مختلف و سفید امضا بود روبه‌رو شدند.

سپس به منظور اطمینان بیشتر، موضوع توسط کارشناسان مربوطه بررسی و مشخص شد فرد حامل چک یکی از عوامل اصلی باند پولشویی و کلاهبرداری کلان است که در سطح کشور فعالیت می‌کند. فرمانده پلیس فرودگاه‌های کشور با بیان اینکه با اهمیت یافتن موضوع، پیگیری این پرونده به طور ویژه در دستور کار پلیس فرودگاه مشهد قرار گرفت، ادامه داد: با هماهنگی مقام قضایی پس از انجام دو ماه کار اطلاعاتی ۱۳ نفر از اعضای اصلی این باند در شهرهای مختلف کشور توسط این پلیس دستگیر شدند.

سردار مهری در خصوص نحوه فعالیت این باند گفت: سرشبکه این باند از طریق رابطین خود در شهرهای مختلف افراد بی‌خانمان، معتاد و نیازمند را شناسایی و با پرداخت پولی اندک مدارک هویتی آنها را برای انجام کلاهبرداری دریافت می‌کرد. این باند همزمان با شناسایی افراد نیازمند با نفوذ در برخی از شرکت‌ها و مجامع امور صنفی اقدام به دریافت پروانه کسب به‌نام افراد بی‌ضاعت می‌کردند.

از طرفی این شبکه پولشویی با استفاده از خلاهای قانونی در سیستم بانکی اقدام به گرفتن دسته چک به‌نام این افراد یا وام‌های کلان با استفاده از پروانه‌های کسب کرده‌اند.

از آنجا که صاحبان چک می‌بایست برای دریافت دسته چک‌های ۲۵ و ۵۰ برگی ابتدا دسته چک ۱۰ برگی را دریافت و میانگین حساب برای خود ایجاد می‌کردند، افراد این باند دسته چک ۱۰ برگی را خودشان پاس کرده و پس از جلب اعتماد به محض دریافت دسته چک ۲۵ و ۵۰ برگی اقدام به کلاهبرداری می‌کردند.

وی در مورد نحوه پرداخت دستمزد به افراد نیازمند گفت: اعضای این باند در قبال دسته چک ۲۵ برگی ۵۰۰ هزار تومان و در قبال دسته چک ۵۰ برگی یک میلیون تومان پرداخت می‌کردند. بنابراین این تیمی دسته چک‌ها در اختیار عوامل اصلی باند بود که در بازار خرج یا برای ضمانت وام در اختیار بانک قرار می‌دادند همچنین تعدادی از دسته چک‌ها در ازای هر برگ ۱۰۰ الی ۳۰۰ هزار تومان به افراد سودجو در بازار تهران واگذار می‌کردند.

به گزارش سایت پلیس، سردار مهری در پایان خاطرنشان کرد: با توجه به فعالیت این باند در زمینه‌های مختلف تاکنون ۱۳ نفر از اعضای اصلی آن دستگیر و میزان کلاهبرداری انجام شده تاکنون بیش از ۱۲ هزار میلیارد ریال عنوان و تعداد شاکیان این پرونده بالغ بر ۳۰ هزار نفر اعلام شده است. این پرونده در دادسرای عمومی مشهد مفتوح است و تحقیقات برای روشن شدن دیگر زوایای کلاهبرداری‌های انجام شده ادامه دارد.

## مرگ ۳ زن و مرد در تصادف جاده کمربندی

**گروه حوادث/** تصادف دو دستگاه خودرو در کمربندی جنوبی شهر بابل سه نفر را به کام مرگ برد.

به‌گزارش روابط عمومی فوریت‌های پزشکی بابل، این حادثه ساعت یک و ۳۵ دقیقه یامداد دیروز دوشنبه بر اثر برخورد دو خودروی سواری تیبیا و ۲۰۶ در جاده قدیم کمربندی جنوبی بابل ورودی بوله کلا رخ داد و یک مرد ۴۵ساله و دو زن و ۶۰ و ۶۵ساله به‌دلیل شدت جراحات وارده در دم جان باختند. همچنین در این حادثه ۶ زن و مرد دیگر نیز دچار آسیب دیدگی شدند که به بیمارستان شهید بهشتی و شهید یحیی‌نژاد منتقل شدند.

# محاكمه ۳ داداعشی

## به اتهام محاربه در دادگاه کیفری تهران

**گروه حوادث/** رسیدگی به پرونده ۳ نفر از اعضای داعش که در یک روستای مرزی ایران دستگیر شده بودند، در شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود سه سال قبل، یک گروه ۲۱ نفری از اعضای داعش به سرکردگی ابوخلیجه تشکیل شد و به قصد انتقام وارد خاک ایران شده و در یکی از روستاهای مرزی ساکن شدند تا پس از تجدید قوا عملیات انتحاری خود را در ایران آغاز کنند اما با اشراف اطلاعاتی نهاد های اطلاعاتی، ساعاتی پس از اسکان در روستا آنها را به محاصره خود درآورد و پس از امان دادن به آنها ۱۶ نفر از اعضای این گروه خودشان را تسلیم کردند و ۵ نفر قصد متواری شدن داشتند که در این عملیات همه آنها از جمله فرمانده ابوخلیجه کشته شدند. در این میان دو نفر از آنها با منفرج کردن جلیقه انتحاری ۳ نفر از نیروهای سپاه ایران را به شهادت رساندند. فردای عملیات وقتی نیروهای سپاه در حال انتقال اسرای داعشی به تهران بودند با یورش گروه دیگری از مهاجمان مواجه شدند که در این عملیات نیز یکی از اسرا کشته شد و ۱۵ نفر به مراجع قضایی تحویل داده شدند. از این ۱۵ نفر پرونده ۱۲ نفرشان به دادگاه انقلاب ارجاع شد و پرونده ۳ نفر از آنها هم که زیر ۱۸ سال سن داشتند به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده

شد و صبح دیروز این ۳ نفر که دونفر از آنها عراقی و یک نفرشان ایرانی هستند، به اتهام محاربه در شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران به دفاع از خود پرداختند.

### در دادگاه چه گذشت؟

درابتدای این جلسه وپس از قرائت کیفرخواست توسط نماینده دادستان، متهم ردیف اول که یک عراقی ۴۱ساله است در جایگاه قرار گرفت و گفت: من اتهام محاربه را قبول ندارم. من اصلاً نمی‌دانستم که قرار است به ایران بیایم. ما در دیاله عراق پایگاهی داشتیم وپس از درگیری با گروه آسایش (اطلاعات کردستان عراق) غذا و سلاح مان را از دست دادیم و بدون هدف از آنجا گریختیم و پنج روز تنها با روزی یک خرما زندگی می‌کردیم و به دنبال یک روستا می‌گشتیم تا بتوانیم مقداری غذا بخوریم. در میانه راه یک شکارچی را دیدیم و از او کمک خواستیم که آن شکارچی ما را به روستایی برد و به ما غذا داد. قصد داشتیم همان موقع حرکت کنیم اما چون حال چند نفر از اعضای مان خوب نبود تصمیم گرفتیم شب را در آن روستا بمانیم و صبح برگردیم که همان شب توسط نیروهای سپاه ایران محاصره و دستگیر شدیم.

**قاضی از متهم پرسید: در اظهارات انتحاری که از شما کشف شده متعلق به چه کسی بود؟**

متهم پاسخ داد: کمربندها مال من نبود. در اینجا یک توضیح بدهم جلیقه انتحاری با کمربند فرق دارد از جلیقه برای انفجار در میان مردم استفاده می‌کردیم. اما قرار ما در گروه داعش این است که اگر احساس کردیم قرار است دستگیر شویم، با انفجار این کمربندها

## تکرار تراژدی برق گرفتگی کودکان این بار در پارک لاله

## تیر برق جان پسر ۱۲ ساله را گرفت

**گروه حوادث/** پسر ۱۲ ساله در پارک لاله تهران سرگرم بازی پینگ پنگ بود که ناگهان تپش به داخل باغچه کنار جوی آب افتاد اما وقتی برای برداشتن تپش وارد باغچه خیس شد دستش را به تیر چراغ برق گرفت تا توپ را از روی زمین بردارد که برق او را در جا خشک کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۱ شب شنبه ۱۸ مرداد، مهدی به همراه پدرش در پارک لاله مشغول بازی پینگ پنگ بود که توپ داخل باغچه‌ای افتاد که درختان تنومند در آن قرار داشتند و لابه‌لای درختان نیز تیرهای برق قرار داشت. به خاطر آبیاری درختان و فضای سبز باغچه خیس بود و توپ هم روی آب شناور شده بود.مهدی توپ را که برداشت دستش خیس شد او برای خارج شدن از باغچه دستش را به تیر برقی که کنارش قرار داشت تکیه داد غافل از اینکه جریان برق فشار قوی به بدنه تیر اتصال کرده و همین موضوع پسر بچه را در جا خشک کرد.

پدر مهدی بلافاصله با اورژانس تماس گرفت و پسر ۱۲ ساله به بیمارستان امام خمینی (ره) انتقال داده شد. تلاش برای درمان پسر نوجوان ادامه داشت تا اینکه حدود ساعت ۱۱ صبح یکشنبه ۱۹ مرداد قلب پسرک برای همیشه از کار افتاد.

### تحقیقات تیم جنایی

با اعلام مرگ مهدی از سوی کادر درمانی بیمارستان امام خمینی (ره)، مأموران کلانتری ۱۴۸ انقلاب موضوع را به بازپرس کشیک قتل باجهت اعلام کردند. بدنبال اعلام این خبر بازپرس رحیم دشتیان و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل حادثه شدند. بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی تهران و تیم تحقیق وارد زمین پینگ پنگ واقع در ضلع شمالی پارک لاله شدند. زمینی با سه میز پینگ پنگ که در چند قدمی میزها باغچه‌ای قرار داشت که پسر نوجوان در آنجا دچار برق گرفتگی شده بود.

بعد از ظهر ادله یافت و درنهایت کارشناس برق و الکترونیک حاضر در محل، علت حادثه را اتصال برق به تیر به‌دلیل پوسیدگی سیم‌ها و اتصالات اعلام کرد.

در ادامه بررسی‌ها ناظر پارک، پیمانکار سابق پارک و پیمانکار فعلی پارک، به اتهام تسبیب در قتل شبه عمد در این ماجرا مقصر شناخته و بازداشت شدند. صبح روز گذشته سه مرد جوان برای تحقیقات به دادسرای امور جنایی پایتخت منتقل شده و

از آنها تحقیق صورت گرفت. بررسی‌ها در خصوص مرگ پسر ۱۲ساله به دستور بازپرس جنایی ادامه دارد.

با اینکه از حادثه برق گرفتگی پسر نوجوان بیش از ۴۸ ساعت



می‌گذرد، اما همچنان اطراف باغچه‌ای که این حادثه در آنجا رقم خورده، نور سبز رنگ ورود ممنوع و خطر کشیده شده است. بعد از سومین میز پینگ پنگ، تیربرق روی زمین افتاده است به گفته حاضران در پارک، کارشناسان تیربرق را روی زمین خوابانده و باز کرده‌اند تا علت حادثه را بررسی کنند. اما تیربرق همان‌طور رها شده است و احتمال خطر و حادثه‌ای دیگر می‌رود.

چند مرد در حال بازی پینگ پنگ هستند. یکی از آنها که مهندس بازنشسته‌ای است می‌گوید: این حادثه‌ها به این دلیل اتفاق می‌افتد که شهرداری، از پیمانکاران حرفه‌ای استفاده نمی‌کند. جان مردم در خطر است و چندین بار توپ ما که داخل باغچه افتاده آن را برداشتیم و برق ما را هم گرفته اما چون آن زمان آب نبود، این برق گرفتگی شدت زیادی نداشت و از طرفی وضعیت جسمی ما با یک پسر بچه فرق دارد.

به دنبال این حادثه شهرداری منطقه ۶ تهران نیز اعلام کرده که کمیته‌ای ویژه برای پیگیری موضوع و بررسی علل بروز این حادثه و شناسایی مقصران توسط مدیریت شهری در دستور کار قرار گرفته است. سرهنگ ناصری‌نژاد معاون هماهنگ‌کننده پلیس پیشگیری پایتخت نیز گفته در حال حاضر سه نفر از عوامل پیمانکار پارک لاله با دستور قضایی دستگیر شدند و تحقیقات تکمیلی توسط کلانتری ۱۴۸ انقلاب اسلامی ادامه دارد.

## آتش در انبار بیمارستان شرکت نفت

محل اشراف کامل داشتند و تحت نظارت فرماندهان سرعت خود را به طبقه ۲ رسانده و در انبار را که قفل بود باز کردند. همزمان با خاموش کردن آتش، گروه‌های دیگر به طبقات بالایی رفتند و آتش‌نشانان حدود ۲۰ نفر از افرادی را که به کمک نیاز داشتند با کمک پرسنل بیمارستان که پیش از رسیدن آتش‌نشانان نیز سعی کرده بودند بیماران را تخلیه کنند، از بخش‌های تخصصی خارج کردند. این افراد بدون آسیب دیدگی و با نظارت پرسنل به بخش‌های مجاور منتقل شدند. این حادثه مصدوم یا تلفات جانی نداشت و با حضور بموقع آتش‌نشانان از یک روز تلخ جلوگیری شد. حریق اطفا شد اما مقدار زیادی دود در طبقات انباشته شده بود که پس از اطفای حریق، دود نیز تخلیه شد.



موبایل در داخل یک چادر نگهداری می‌شدم چون آنها فکر می‌کردند من از ایران آمده‌ام و اطلاعاتی هشتم وپس از اینکه مطمئن شدند قصد کار اطلاعاتی نیست جذبیم کردند و از من خواستند به‌خاطر اینکه کم سن و سال هشتم به گروه عملیات انتحاری بپیوندم که بشدت ترسیدم و ساعت‌ها گریه کردم و وقتی هم به آنها گفتم که نمی‌توانم عملیات انتحاری انجام دهم ضرب و شتم و شکنجه شدم که با حمله گروه آسایش من جان سالم بدر برم. حتی پس از اینکه وارد خاک ایران شدیم هم قصد داشتم فرار کنم اما می‌ترسیدم چون اگر ابوخلیجه متوجه می‌شد حتما مرا می‌کشت. پس از پایان اظهارات متهمان، قضات شعبه ۵ برای صدور حکم وارد شور شدند.

خودمان را بکشیم تا تسلیم نشویم. در ادامه رسیدگی به این پرونده مبین متهم ردیف سوم که ایرانی است در جایگاه قرار گرفت و گفت: من از طریق کانال‌های تلگرامی جذب گروه داعش شدم. در ابتدا فکر می‌کردم این گروه ثروتمند است و به محض پیوستن به آنها به ماشین و موتور و پول می‌رسم اما وقتی برای جذب شدن در این گروه به عراق رفتم متوجه شدم همه تصوراتم اشتباه بود و این گروه جز خشونت و دروغ چیزی ندارند و در همان پایگاه دیاله از ورودم به این گروه پشیمان شدم اما می‌ترسیدم که این مسأله را عنوان کنم چراکه حتماً توسط آنها کشته می‌شدم. من پس از ورودم به داعش یک ماه بدون گویی

## راز سارق بدهکار

## با حساب بانکی اش لو رفت



**گروه حوادث/** مرد تبهکار برای اینکه خود را در ماجرای سرقت طلاهای گناه‌نشان دهد نقش یک گروگان را بازی کرد اما پولی که به حسابش واریز شده بود و دوربین‌های مداربسته راز او را برملا کرد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اوایل مرداد مرد جوانی نزد پلیس رفت و از سرقت طلاها و ربوده شدنش توسط چند مأمور نما شکایت کرد. او گفت: من ۱۰بندکار هشتم و چند وقتی است که پسر جوانی به‌نام ایمان به مغازه‌ام می‌آید و مواد غذایی از من خریداری می‌کند. با افزایش قیمت طلا تصمیم گرفتم که طلاهایم را بفروشم. موضوع را برای ایمان تعریف کردم و بعد از مدتی ایمان به سراغم آمد و گفت مشتری خوبی برای طلاهایم پیدا کرده‌ام. روز معامله در شرکت دوستم قرار گذاشتم و با ایمان منتظر خریدار بودیم که ناگهان سه مرد مسلح در حالی که شوکر و بی‌سیم به همراه داشتند وارد شرکت شدند. آنها دست و پای ایمان را بستند و طلاهایم را از من گرفتند. مردان مسلح خودشان را مأمور معرفی کرده و گفتند گزارش شده که در کار قاچاق طلا هستم. از من خواستند که برای ارائه فاکتورها به خانه‌ام بروم. یکی از آنها نزد ایمان ماند و دونفر دیگرشان با من آمدند. ما سوار خودروی پژو آنها شدیم و زمانی که به خانه‌ام رسیدیم یکی از مردان با من وارد خانه شد و بعد از گرفتن طلاها و فاکتورش که حدود یک میلیارد تومان بود، از خانه‌ام خارج شد. وقتی برای آزاد کردن ایمان به شرکت دوستم رفتم نه از ایمان خبری بود نه از مردی که محافظ او بود. آنجا بود که به او و مأموران شک کردم و تصور می‌کنم که بازی خودروم و طلاهایم را به سرقت برده‌اند. آنها حدود ۴ ساعت مرا گروگان گرفته بودند.

### همدستی مرد رابط

با شکایت مرد بندکار، بلافاصله دوربین‌های مداربسته اطراف محل شرکت مورد بازرینی قرار گرفت. دوربین‌ها تصویر فرار ایمان و مردان مسلح را نشان می‌داد. بدین ترتیب احتمال دست داشتن ایمان در این سرقت پررنگ‌تر شد و به دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی پایتخت وی دستگیر شد. اما مرد جوان منکر

